

پیش جامعه‌شناختی و مسائل اجتماعی

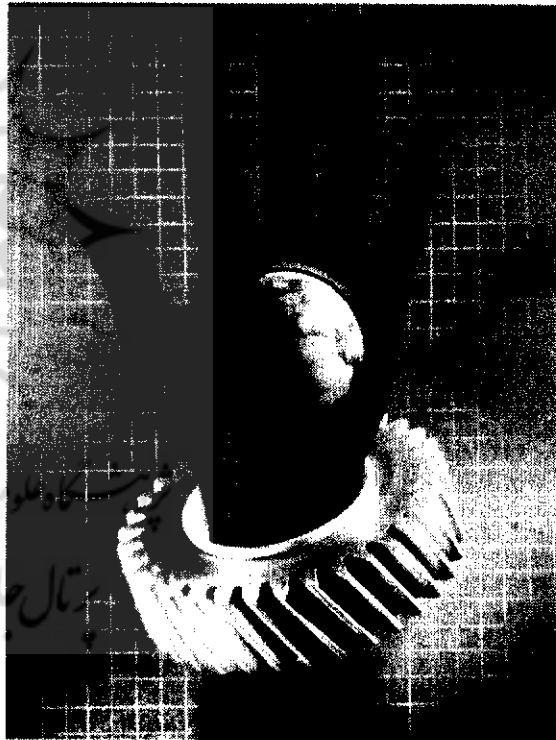
محمد رضا زمردی

بررسی و تفحص پیرامون هیچ یک از موارد فوق‌الذکر نمی‌باشد؛ لیکن آنچه مورد تاکید و توجه واقع می‌شود چگونگی نگرستن و مواجهه با این مسائل است، زیرا راه حل و رفع مسائل عدیده‌ای که مبتلا به جامعه‌ی ماست جز از رهگذر نحوه صحیح نگرش به آن مسائل رخ نخواهد نمود.

یکی از موضوعاتی که مایه ذهن مشغولی امیل دورکهایم از بنیانگذاران بزرگ جامعه‌شناسی را تشکیل می‌داد، عبارت از این بود که پدیده‌ی اجتماعی را باید بر حسب دیگر پدیده‌های اجتماعی درک کرد و به عبارتی، امر اجتماعی را نمی‌باید به امور غیر اجتماعی تقلیل داد. وی در تحلیل مشهور از پدیده‌ی خودکشی ضمن معرفی سایر تبیین‌های ارائه شده از این پدیده در پی آنست که توسط نظریه پرداز، تبیینی جامعه‌شناختی از این پدیده ارائه نماید. لذا هشدار وی این است که به منظور درک موضوعات اجتماعی باید به علل اجتماعی عطف توجه نمود (شارون، ۱۳۷۹) به‌دیگر سخن نظریه‌ی جامعه‌شناختی به فرایندهایی بذل توجه می‌کند که بواسطه آنها ساختارهای اجتماعی شرایطی را خلق می‌کنند که در آن شرایط متعارض و ناهماهنگی در منزلت‌ها و

داراست و همان مسائل جهانشمول نیز تحت شرایط و عناصر بومی هر جامعه رنگ و بویی محلی به خود می‌گیرد و کیفیت متفاوتی را نداعی می‌کند. به عنوان نمونه اگر در جوامع پیشرفته‌ی غربی، سالمندی و مسائل مرتبط با آن پر اهمیت تلقی می‌گردد؛ در جامعه‌ی ما، جوانی و مشکلات جوانان (به دلیل تفاوت در ترکیب سنی جمعیت در ایران و غرب) محور توجه قرار می‌گیرد. شاید در صورت پرسش از یک آسیب‌شناس اجتماعی برخی از مسائل اجتماعی جامعه‌ی ایران به قرار زیر مطرح شوند: فقر، فحشا، اعتیاد، بزهکاری، مشکلات مربوط به نهاد خانواده (از طلاق و خیانت‌های زناشویی

گرفته تا فقدان عشق در ازدواج و زندگی) بحران هویت، تضاد طبقاتی فزاینده، بیکاری و مسائل ناشی از آن، رابطه سالاری، افزایش قانون‌گریزی، ضعف و ناکارآمدی نظام آموزشی، شکاف بین نسل‌ها، مهاجرت مغزها و اخیراً پدیده دل‌آزار قاچاق انسان و نظایر اینها. با این همه نگارنده در این موقع و مقام در



ذهن تحلیل‌گر اجتماعی از برخورد با واقعیات اجتماعی به واسطه‌ی تعامل دیالکتیکی مستمر میان شناسا و شناخته، مساله‌یابی اجتماعی را میسر می‌سازد. لذا می‌توان فرایند مزبور را تابعی از مناسبات اجتماعی حاکم بر هر جامعه در لحظه‌های تاریخی معین دانست. از این منظر هر چند می‌توان مسائلی را سزاغ گرفت که میان اکثریت قریب به اتفاق جوامع مشترک باشد، اما هر جامعه‌ای مسائل خاص خود را

تاکید بیش از حد بر برنامه‌ها و تحلیل‌های روان‌شناختی در رسانه‌های رسمی، گاهی از فرط ملال‌آوری به نقض غرض منجر می‌شود.

مجموعه‌های منزلتی خاص و نیز نقش‌های اجتماعی مرتبط با آنها نهفته است (Merton ۱۹۶۸).

از آنجائیکه طبق آموزه‌های جامعه‌شناسان، جامعه چیزی بیش از مجموعه‌ی افراد است و نیز یکی از عرصه‌های مهم تحلیل جامعه‌شناختی، پیامدهای ناخواسته‌ی کنش‌های کنشگران اجتماعی است: به نظر می‌رسد که در فقدان چشم‌اندازی جامعه‌شناختی به مسائل اجتماعی جزء سوء فهم و درکی سطحی و نزدیک به معرفت عامیانه، حاصل دیگری در میان نخواهد بود. لذا نیاز متقابل جامعه‌شناسی و سیاست برای شناخت و انتخاب ضروری به نظر می‌رسد و در بستر ایجاد اهدافی مشترک برای اعتلای حیات اجتماعی به بار می‌نشیند (محمدی اصل ۱۳۸۲).

مباحث نظری طرح شده امکان نقد و تحلیل رویکرد غالب فردنگرانه به مسائل اجتماعی را که از رواج چشمگیری



اجتماعی - به همان گونه که هست می‌آید. و از آنجایی که چندان ترغیبی برای تغییر محسوب نمی‌شود معمولاً تحمیل و حتی ترویج می‌شود.

استمرار این وضعیت که خود نشانه‌ی بی‌توجهی به ریشه‌ها و علل واقعی ناپهنجاری‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی و مبارزه‌ی صرف با معلول‌ها و عوارض است، به پیچیده شدن مسائل و تشدید آنها می‌انجامد و مسائل و بحران‌های نوظهور و غامض‌تری پدید می‌آورد که در سطوح خرد و کلان تبلور خواهند یافت.

به منظور دریافت ادراکی جامع که لازمه‌ی برنامه‌ریزی‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های پیشگیرانه و درمان‌گرانه است، ضمن بررسی ساختارهای بیرونی مطالعه‌ی، ژرف ساختارهای درونی فرهنگ و تاریخ و تمدن ایرانی از ضرورتی تام برخوردار است. لذا می‌بایست جریان‌های ساختاربنندی شده و نهادین نمادین گشته در بطن و متن فرهنگ و تمدن و تاریخ

ایران مکشوف و تبیین گردد و نقشی که این ساختارها بر اساس کارکردهای اجتماعی خود در تاریخ ایران ایفا کرده‌اند و هم‌اکنون نیز ایفا می‌کنند به تحلیل و تفسیر گذاشته شود (آشتیانی ۱۳۸۱)؛ تا از رهگذر این تاملات و تدقیقات، بصیرت لازمه‌ی فهم و شناسایی مسائل عدیده اجتماعی ایران امروز ظهور نماید و بواسطه‌ی خودشناسی، محصول آن بصیرت به راه حل‌ها و درمان‌های موثر و راهگشا رهنمون گردد.

منابع:

- آشتیانی، منوچهر؛ ۱۳۸۱؛ گفتارهایی پیرامون شناخت مناسبات اجتماعی؛ نشر قطره.
- شارون، جوئل؛ ۱۳۷۹؛ ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی؛ ترجمه منوچهر صبوری؛ نشرنی.
- محمدی اصل، عباس؛ ۱۳۸۲؛ جامعه‌شناسی بنیادین، متاتئوری؛ انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- Merton, R. K. ۱۹۶۸, Social Theory and Social Structure: New York, Free Press.

شخصاً تمهیدی برای ترمیم آلام و رفع معضلات خویش بیاندیشند، دیگر مجال تامل در مناسبات اجتماعی و چالش‌های ناشی از آن وجود نخواهد داشت و مشروعیت دچار بحران و سستی نخواهد شد.

در این رابطه به دو نمونه اشاره می‌کنیم. نخست تاسیس نظام روان‌شناسی و مشاوره در چند سال اخیر است که ضمن در برداشتن جنبه‌ها و کارکردهای مثبت تاکید فوق‌الذکر را باز می‌نماید. مورد دوم عبارتست

از تاکید بیش از حد بر برنامه‌ها و تحلیل‌های روان‌شناختی در رسانه‌های رسمی که از فرط ملال‌آوری گاهی به نقض غرض منجر می‌شود. این روان‌شناسی نه به آنچه در آکادمی‌ها جریان دارد و مبتنی بر آخرین دستاوردها در این حوزه‌ی پژوهشی است شباهت دارد که بیشتر به قرائت ایرانی شده‌ای از روان‌شناسی مانند است که پیش از هر گونه درمان و التیام به کار حفظ موجودیت فعلی ما - نظام‌های شخصیتی

در ایران برخوردار گردیده، میسر می‌سازد. نتیجه غفلت از ماهیت اجتماعی مسائل مزبور، به روان‌شناسی سازی و متافیزیکی دیدن مقولاتی منتهی می‌گردد که اساساً غیرمتافیزیکی‌اند. توصیه‌هایی که

دور کهیم معتقد بود که پدیده اجتماعی را باید بر حسب دیگر پدیده‌های اجتماعی درک کرد

چنین دیدگاهی برای حل معضلات، پیش می‌نهد بالطبع بی‌ربط و غیر واقعی می‌نمایند و خود می‌توانند مساله آفرین و مشکل‌زا ظاهر شوند.

البته با اتخاذ چشم‌اندازی گفتمانی با عنایت به مباحث "فوکو" در باره‌ی قدرت و ساز و کارهای آن در جامعه می‌توان این تاکید بر فرد را در بروز و حل مسائل به تحلیل نشست. چه اگر بتوان افراد را متقاعد ساخت که خود مسئول مسائل مبتلا به خویش‌اند و باید